

درین جلسه و حوضه پس برده اند پس این موضوع نیز قویاً تأیید مینماید که
(تسمیه پامیر) نامی است که در (تسمیه پامیر) در (تسمیه پامیر) تالیف شده است
پامیر را به لحاظ و بنا به گفته تقی‌زاده در این کتاب و بنا به گفته
پامیر بر اساس وجه تسمیه این اسم که در این کتاب و بنا به گفته تقی‌زاده
پامیر از تسمیه پامیر و پامیر از تسمیه پامیر است و بنا به گفته تقی‌زاده
پامیر از تسمیه پامیر و پامیر از تسمیه پامیر است و بنا به گفته تقی‌زاده

توضیحات در اطراف

در شماره دوم - سال دوم مجله آریانا تحت عنوان (وجه تسمیه پامیر) مضمونی نگاشته
بودم سه سال و چندی بعد در شماره ۸ سال پنجم آریانا مقاله (در اطراف تحلیل کلمه
پامیر و معنی آن) جلب نظر نمود در مقاله مزبور نویسنده محترم ذریعه تحلیلی
که بکار انداخته بقیاس خود شان دلایلی چند ایراد فرموده تا اینکه وجه
تسمیه حل شده تصور شود (تسمیه پامیر) (تسمیه پامیر) (تسمیه پامیر)
اینک جهت رفع شبهه نویسنده و تأیید نظریات و تذکرات (در اطراف وجه
تسمیه پامیر) سطری چند ایراد میگردد: نویسنده مقاله که دلائل ما را کافی
نداشته از ایرادات شان طوری فهمیده میشود که اولاً شاید مضمون (در اطراف
وجه تسمیه پامیر) را با اینکه سه سال و چند ماه از آن گذشته بغور مطالعه
نفرموده است.

ثانیاً: نقشه جات طبیعی اوضاع و اشکال اراضی پامیر و کوه‌های بمرور
زمان طبیعی شده آن را تحت نظر غور و مطالعه قرار نداده اند از آن رو حسب
ضرورت مقاله را با دلائل تأیید به خود در اطراف آن توضیح و تشریح مینمائیم:
در مقاله (در اطراف وجه تسمیه پامیر) نوشته بودم [در شماره ۱۲ سال اول
مجله آریانا تحت عنوان (وجه تسمیه پامیر) مضمونی را مطالعه کردم که
شاغلی شعاع ترجمه نموده.
در مضمون در اطراف وجه تسمیه کلمه پامیر آرا و نظریات متعدد و ولی
متفاوت و از هم متمایز ذکر شده هیون تسانگ این کلمه را (یومیلو)
کر گزها (پامیل) تاریخ چین (یومی) مارکو پولو (پامیر) عضو اجمیع آ

مذهبی پورتگال (سرپامیل) یا (سرپامیر) بروئوف (یو پامیر-رو)
گفته اند ولی شاید اکثریه از اصل حقیقت دور افتاده اند و فقط مارکو پولو
که اصل کلمه را ذکر کرده است ، مگر باز هم او وجه تسمیه را مبهم
گذاشته گذشت .

این است که هن نظریات خود را در اطراف وجه تسمیه اسم و کلمه پامیر
اینک شرح میدهم :

این اسم از دو کلمه (پا) و (میر) مرکب بوده کلمه پامیر آریای خالص
میباشد چه اسم (پامیر) نامند و (میر) آریای خالص است .

اولاً : لفظ (پا) یا (پائی) کلمه خالص پارسی شعبه زبانهای آریائی ،
بمعنی پائین ، زیر ، دامن یا دامان مثلاً پائی دیوار پائی قلعه پائی درخت که
معنی دامان کوه پائین کوه زیر دیوار زیر قلعه و زیر درخت را افاده میکنند .
ثانیاً : لفظ (میر) این هم کلمه سانسکریت از شعبه زبانهای آریائی و بمعنی
جهیل ، کول یا بحیره است .

ببینیم کلمه بالفظ با اسم (میر) در کدام یک از زبانهای دیگر آریائی
مشابهی باخود دارد یا نه ؟ در کتب علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که این پائی مقدس روح
در زبان روسی که شاخه از موج اسلاری آریائی میباشد و اکثر کلمات را
نزدیک بشکل قدیم آن حفظ کرده است کلمه (میر) به تغیر کمی و عین
معنی آمده است چه درین زبان (موری) (به پائی مجهول) بمعنی جهیل
یا بحیره میباشد .

پس معلوم میشود که (میر) و (موری) هر دو یک ریشه و مأخذ داشته باهم
فرق و تفاوتی ندارند و ترجمه و معنی هر دو لفظ هم بیتفاوت و یکی میباشد .

درین صورت بو ضاحت دانسته میشود که (میر) کلمه آریائی خالص میباشد
و نسبتی بکدام زبان دیگر ندارد .

حوضه و سواحل اکسوس و منبج آن که جلگه پامیر باشد چون مهد
آرین های باختری میباشد و این شعبه از نژاد بزرگ آرین قرون متعددی را

در این جلگه و حوضه بسر برده اند پس این موضوع نیز قویاً تائید مینماید که اسم (پامیر) اسم و کلمه آریائی بوده لفظ بیگانه نمیباشد.

بیانیم بر اساس و مبداً وجه تسمیه این اسم که چرا این جلگه مرتفع پامیر نیامده شده بود ذیلاً شرح میدهیم: (من آریائی)

در فوق تذکر شد که این اسم از دو کلمه (پا) و (میر) مرکب میباشد نمیشد (پا) یا (پای) بمعنی پائین، دامان، زیر (و میر) بمعنی جهیل یا کول یا بحیره پامیر بمعنی زیر جهیل یا پائین تر از کول و بحیره یا در دامان جهیل یا کول یا بحیره میباشد.

چون کولها و یا جهیلهای پامیر بیش از ۱۶ هزار فوت از سطح بحر ارتفاع داشته از سطح زمین جلگه یا میر بلندتر واقع شده اند و این جهیلها بر جلگه مشرف نمیشدند و جلگه از موقع این کولها پائین تر وقوع یافته است از آن سبب بر اساس اصطلاح این جلگه را (پامیر) یعنی پائین از جهیل یا زیر کول یا در دامان جهیل گفته اند و این مقوله رفته رفته بجای اسم متداول و عام گردیده است.

ما میتوانیم بر اساس اصطلاح در وطن ما به امثله زیادی بر خورد نمائیم که ادعای تائید کنند.

مثلاً کلمه (پای منار) در حدود شمالی شهر کابل در خط بالای کوتل پای منار در حدود معبر بنای منار مانندی موجود بوده که اثری از بقایای اساس آن باقی مانده قریه را که در دامان شمالی این کوتل و پائین تر از منار آنوقتیه واقع شده به (پای منار) موسوم نموده اند و یا مثال دیگر - در بامیان در انتهای دره کمالو آبهای این دره دفعتاً در مجرای تنگ زیر زمینی فرو میرود مردم این سوراخ و مجرا را (موری) می نامند به این مناسبت قریه را که پائین تر از موری واقع شده است به اسم (پای موری) موسوم نموده اند.

ممکن است مثالهای متعددی بر همین اساس پیدا شود. جواب سوال اینست که چون سانسکریت شاخه از السنه باختری است کلمه (میر) در اغلب لهجه های افغانستان مشرک است و تا امروز معمول و مروج میباشد.

این بود شرحی که در اطراف وجه تسمیه پامیر در شماره دوم سال دوم مجله آریانا رقم رفته بود.

اینک بجواب نویسنده محترم مقاله (در اطراف تحلیل کلمه پامیر و معنی آن) به توضیحات ذیل پرداخته میشود:

کلمه پامیر میفرمایند [پامیر] که نام کوهی است بلند و مرتفع چطور میشود آن را زیر یک جهیل یا کول یا بحیره قرار داد در حالیکه جهیل یا کول یا بحیره عموماً ریابند در پای و دامن کوه واقع باشد نه آنکه نویسنده مقاله مذکور توجه نموده است [جواب عرض میشود: اولین اشتباهی را که نویسنده محترم بران بر میخورند

این است که اسم پامیر را از حوضه گرفته بر کوه گذاشته اند حال آنکه

مگر کمی غور و دقت شود در تمام نقشهای طبیعی و اقتصادی و سیاسی که در دسترس موجود میباشد اسم پامیر بر دو حوضه اطلاق میشود که اولاً - عبارت از حوضه

(پامیر کلان) است که ساری کول (سر کول) بران مشرف بوده آبهای کول

مذکور در همین حوضه سر از زیر گردیده در حدود (بار پنجه) با آبیکه از حوضه

پامیر خورد بیرون میشود یکجا شده اکسوس را تشکیل میدهد و ثانیاً: حوضه

(پامیر خورد) میباشد که کول پامیر برین حوضه مشرف بوده و از حیث

ارتفاعی که کول مذکور دارد آبهای آن در سمت شرق بطرف (آق تاش) و در

استقامت غرب سمت دشت مرزا و حوضه پامیر خورد سر از زیر شده در حدود

بار پنجه که بالا ذکر شد با دریای ساری کول می آمیزد. ...

و اینست که [چطور میشود کوه بلند را زیر یک جهیل و یا کول قرار داد بلکه عموماً باید بحیره یا کول دریای و دامن کوه واقع باشد] نویسنده محترم این یک غرابتی ندارد شما اگر به نقشهای طبیعی زمین متوجه شوید در دنیا به

بهزارها کول و بحیرم بر می خوردند که در منتهای ارتفاع جبال موقع دارند و اکثر
ازین کولها و لیکانهای خاموش شده میباشند که در حدود هزاران سال قبل
از فعالیت یافتن مانده ذریان بوقفل و جریان آبهای اطراف کولها و جهیلها را
در عوض تشکیل داده اند. بعد نویسنده ایراد (میفرمایند) علاوه بر آن میر
اگر دو سانسنگ را به معنی جهیل و میان بحیر و ایل کول هم آمده باشد اما نسبت پدای
باز بوی یادامق به جهیل و کول و غیره عمومی نباشد و اصطلاحاً یای بحیرم یا جهیل
گفته نمی شود بلکه در این مورد کفار ایالت استعمارت می کردند []
جواب اینها نویسنده چون قهری بر لغت از مضمون (در اطراف وجه تسمیه
یامیر) عبور فرموده آیه محتویات آن غول و انفرموده اند و الا به آنجا ذکر شده
است (چون کولها یا جهیل های با همسر بین از ۱۰ هزار فوت از سطح بحر
ارتفاع داشته از زمین جلگه بامین بلندتر واقع شده اند و این جهیلها بر جلگه
مشرف میباشند و جلگه از موقع این کولها پامیان تر و قویع یافته است از آن
سبب بر اساس اصطلاح این جلگه را (پامیر) یعنی پامیان از جهیل باز بر کول
و یاد در دامان جهیل گفته اند و این مقوله رفته رفته بجای اسم متداول و عام
گرفته است) پس در صورتیکه کولها از حوضه مرتفع واقع شده باشند چطور
میتوان کلمه آب یا کفار را بحوضه یامیر نسبت بد کولها نمود. (این آیه چون
حوض خاصی که بر کوه های کفار دره وقوع دارد و خودم پیشم ملاحظه
کرده ام کول طبیعی شده موجود میباشد اگر چه از حیث خوردنی نمیتوان
آنرا با کولهای یامیر مقایسه کرد ولی از آنجا که در مرتفع ترین نقطه کوه
موقع دارد شباهت نامی بهم میرسانند بنا بر آن قریه چیر را که در دامان کوه
حوض خاص واقع است اگر بزرگ باشد کفار حوض پامیر البته اشتباه گفته می شود
نویسنده باز میفرمایند [نام یامیر طوریکه معلوم است بزرگ سلسله جبال
مرتفع حصص شرق شمالی آرمانا اطلاق گردیده و آن در اوستا بنام (هرا بر زنی)
موسوم شده. []
جواب این کوه های یامیر را که در اوستا بنام هرا بر زنی آمده در آن اعتراضی
نیست فقط چیزیکه معلوم است این (است که نام (یامیر) بر حوضه اطلاق میشود

نه بر گوه چنانچه (کایگر) آلمانی که آنرا نویسنده شاهد قول خودشان میکنند میگویند (من به این نظریه هستم که هر ابرزتی نام محلی بوده و از این روی موقع تذکار معلوم میشود که معنی اسم آن کوه های بلند بوده و عبارت از آن بوده هر تفرع پامیر میباشد (۱) البته درین که جمله پامیر سطح هر تفرع است کسی نمیتواند تسلط دیدی داشته باشد زیرا از وضع طبیعی این حوضه بصراحت فهمیده میشود و باز نویسنده محترم که در ادعای خودشان در اطراف تحلیل کلمه پامیر شبهه دارند در جای دیگر می نویسند [ولی درین جا میتوان توجیه دیگری را که از روی آن در جزء اول تغییری وارد نمیشود اظهار و ایراد نمود و آن اینست که (یا) را همان پای فارسی دانسته و ظوریکه نویسنده مقاله تسمیه پامیر تحریر نموده است آنرا بمعنی دامن و یا زیر بشناسیم درین صورت هم يك معنی صحیح را افاده نمیکند و آن عبارت است از دامن آفتاب یا این تر از آفتاب میشود]

جواب : کلمه (دامن آفتاب) در عالم چیز نویسی این اراده اول است که به آن بر خورد میشود مفهوم معقولی ندارد و در این تسمیه پامیر و یا در خانمه بجواب نویسنده محترم مقاله (در اطراف تحلیل کلمه پامیر) و معنی آن (این هم ازاد میگردد حوضه پامیر خورد در وسعت به نسبت حوضه پامیر کلان بزرگتر است (به نقشه مراجعه فرمائید) ولی محض جهت اینکه کول یا جهیلی که بران مشرف است از حیث پهنای نسبت به کول که بر حوضه پامیر کلان مشرف است تقریباً چهار چند خورد تر میباشد از آن رو حوضه آن به اسم (پامیر خورد) موسوم شده و پامیر کلان هم نظر به بزرگی جهیل مشرف بران پامیر کلان گفته میشود زیرا اگر بزرگی و وسعت حوضه اعتبار میداشت باید برعکس پامیر خورد کلان و پامیر کلان خورد نامیده میشد حال آنکه فقط (میر) بیای مجهول که عبارت از کول یا جهیل میباشد معبر گفته میشود (پامیر کلان) حوضه پامیر کلان (پامیر خورد) حوضه پامیر خورد میباشد پس باور خواهند فرمود که شاید معما حل شده بوده ؟ عبدالغفور